

نقش رژیم در «قتل‌های زنجیره‌ای متخصصان» ایرانی، ایرج مصداقی



قتل‌های زنجیره‌ای متخصصان» تأکید دیگری است بر ماهیت ضدبشری نظام نکبت ولایت که برای " پیش‌برد مقاصدش به هیچ چیز و هیچ کس رحم نمی‌کند. از احمد خمینی گرفته تا سعید امامی و تا متخصصان اتمی. هرکسی که تاریخ مصرف‌اش به پایان برسد می‌تواند به سادگی حذف شود.

ویژه خبرنامه گویا

بنا به ادعای مقامات اطلاعاتی، امنیتی و سیاسی رژیم، ۴ «دانشمند هسته‌ای» ایرانی از جمله مسعود علی محمدی، ۲۲ دیماه ۸۸، مجید شهریاری، ۸ آذر ۸۹، داریوش رضایی نژاد، ۲ مرداد ۱۳۹۰، توسط سرویس‌های امنیتی اسرائیل، «مزدوران استکبار و مصطفی احمدی روشن، ۲۲ دیماه ۱۳۹۰ به قتل رسیده‌اند و چند تن از جمله فریدون عباسی دوانی و تعدادی ناشناس «جهانی» و «منافقین» نیز جان سالم به در برده‌اند.

از نظر من با توجه به سابقه‌ی دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم در بمب‌گذاری‌ها و ترورهای داخلی، «قتل‌های زنجیره‌ای» مزبور توسط دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی و با مقاصد خاص سیاسی و تبلیغی انجام گرفته است.

توطئه‌های «نگاه من به این موضوع همراهی با تئوری‌های معروف «کار، کار خودشان است» و داپی‌جان ناپلئونی» نیست بلکه بر پایه‌ی استدلال و منطق و تکیه بر تجربیات ۳۳ سال گذشته است.

سابقه‌ی گردانندگان نظام در ارتکاب جنایت و انداختن مسئولیت آن به دوش دیگران به پیش از تشکیل حکومت اسلامی بر می‌گردد.

به خاطر داریم که چگونه حاکمان میهن‌مان «سینما رکس» آبادان را به آتش کشیده و صدها انسان بیگناه را در آتش جهل و کینه‌توزی خود سوزاندند و به خاکستر تبدیل کردند تا مسئولیت آن را به دوش حکومت پهلوی بیاندازند و به زعم خودشان آتش «انقلاب» را شعله ور کنند. ما شاهد بودیم که سید حسین موسوی تبریزی «اصلاح طلب» چگونه خیمه‌شب‌بازی دادگاه سینما رکس آبادان را اداره کرد تا رد پای جنایتکاران به حوزه علمیه و «بیوت» قم نرسد.

از اولین سال‌های تشکیل نظام ولایت فقیه دولت جمهوری اسلامی با دست بازتری این سیاست را به شکل‌های گوناگون مورد استفاده قرار داد. در طول این سال‌ها ما شاهد جنایات گوناگون دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم بوده‌ایم که مسئولیت آن را به دوش مخالفان‌شان انداخته‌اند.

از جمله به خاطر داریم که

این سیستم در سال ۱۳۶۱ چگونه با هدایت حزب توده، صحنه‌آرایی کودتا توسط قطب زاده را سازماندهی کرد و سپس به کشف آن نائل آمد و با ترفندی قطب‌زاده را به اعتراف واداشت و نه تنها او را مقابل جوخه‌ی اعدام قرار داد بلکه آیت‌الله شریعتمداری را با میلیون‌ها مقلد و هواخواه از صحنه خارج کرد.

امام رضا، «مقدس» چگونه در «ظهر عاشورا»، که با سی خرداد ۱۳۷۳ مصادف شده بود، در حرم ترین مکان شیعه در ایران، بمب‌گذاری کرد و ده‌ها تن را به شکلی فجیع به قتل رساند و صدها تن را زخمی کرد تا مسئولیت آن را به دوش مجاهدین بیاندازد. از خامنه‌ای گرفته تا رفسنجانی و ولایتی و وزرای اطلاعات و کشور و ... همگی به میدان آمدند و مجاهدین را مسئول این عملیات جنایتکارانه معرفی کردند.

چگونه در سال ۱۳۷۳ عوامل وزارت اطلاعات در مسجد سنی‌ها در سیستان و بلوچستان بمب منفجر کردند و آن را به مجاهدین نسبت دادند.

چگونه در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ کشیش‌های مسیحی، هایک هوسپیان، مهدی دیباج و طاطائوس میکائیلیان را بیرحمانه به قتل رساندند و مسئولیت آن‌ها را به دوش مجاهدین انداختند.

جنایتکاران برای همه‌ی این توطئه‌ها متهمانی را نیز دست و پا کردند و با شکنجه‌های هولناک آن‌ها را وادار کردند که طبق سناریوهای ساخته و پرداخته شده‌ی بازجویان، مسئولیت این قتل‌ها و انفجارها را بپذیرند.

: هنوز یادمان نرفته است که

چگونه احمد خمینی یادگار امام را به قتل رساندند و از آن به عنوان مرگ مغزی یاد کردند.

چگونه بازجویان وزارت اطلاعات بنا به دستور خامنه‌ای که گفته بود هر طور شده بایستی متهمان «قتل‌های زنجیره‌ای» پاییز ۷۷ را به موساد و اسرائیل وصل کرد، سعید امامی را به قتل رساندند و از او به عنوان جاسوس موساد یاد کردند و همسر و همکارانش را تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند تا به نکات دیکته شده از سوی بازجویان اعتراف کنند. فیلم‌هایش را روی اینترنت انتشار داده و جزوه‌ی هشتصد صفحه‌ای از اعترافات متهمان پخش کردند.

چگونه در اثر بی‌مبالاتی بسیج و درگیری‌های درونی باندهای رژیم در شیراز حسینییه رهپویان وصال مواد انفجاری نگهداری شده در آنجا، منفجر شد و ده‌ها تن کشته و زخمی شدند و عاقبت پس از سفر خامنه‌ای به شیراز و بنا به دستور او مسئولیت این انفجار به عهده‌ی «انجمن پادشاهی» گذاشته شد و چند جوان بی‌خبر از همه جا را با خدعه و نیرنگ مورد محاکمه قرار داده و به جوخه‌ی اعدام سپردند.

http://www.irajmesdaghi.com/print_Maghaleh.php?id=172

چگونه پس از کشتار مردم در جریان اعتراضات تابستان ۸۸ مقامات امنیتی، اطلاعاتی و قضایی و سیاسی و تبلیغاتی رژیم در بالاترین سطح از لاریجانی‌ها و اژه‌ای گرفته تا احمدی‌نژاد و مصلحی و تلاش کردند با خلق سناریوهای عجیب و غریب قتل ندا آقا ... حداد عادل و طائب و نقدی و جعفری و ... منافقین» و «استکبار جهانی» و «سرویس جاسوسی بریتانیا» و «بی بی سی» و «سلطان را به منتسب کنند و تا آنجا پیش رفتند که خود ندا آقا سلطان و دکتر آرش حجازی شاهد قتل را از عوامل این جنایت معرفی و در راستای تحقق جعلیات‌شان فیلم‌های مختلف و گاه متضادی هم تولید کردند.

چگونه بالاترین مقامات قضایی و اطلاعاتی و امنیتی رژیم برای زیر سوال بردن ادعاهای کربوی در مورد شکنجه و تجاوز در زندان‌ها، سناریوی «سعیده پورآقایی» را خلق کردند. و در فریب‌کاری خود تا آنجا پیش رفتند که میر حسین موسوی و اعضای دولت خاتمی را نیز به اشتباه انداختند و در مراسم ختمی که وزارت اطلاعات معرکه گردان آن بود شرکت کردند.

چگونه مقامات نظامی، سیاسی و امنیتی رژیم از جعفری گرفته تا حدادعادل و نمایندگان رژیم در مجلس و ... در حالی که نزدیک به صد نفر را در تظاهرات‌های خیابانی به قتل رسانده بودند اعلام کردند که در جریان تظاهرات‌ها ۲۰ بسیجی کشته شده‌اند و ۹ نفر از مردم. یعنی مردم بی دفاع ۲۰ بسیجی را کشته‌اند و نیروهای نظامی و انتظامی و چماقداران و جوخه‌های ترور رژیم تنها ۹ نفر را به قتل رسانده‌اند. به گفته‌های محمدعلی جعفری فرمانده سپاه توجه کنید

در حوادث اخیر ۱۳ نفر از نیروهای بسیج و حدود ۷ نفر از نیروهای مردمی که بعضاً سابقه بسیجی « نیز داشتند به شهادت رسیدند که نیروهای مردمی در ترورهای کور و نیروهای بسیجی با اقدام از پیش تعیین شده به وسیله زیر گرفتن با خودرو یا با پرتاب سنگ و اشیای مختلف به شهادت رسیدند. از مخالفین و معارضین نیز ۹ نفر کشته شدند که مقایسه این آمار نشان می‌دهد نیروهای امنیتی و «بسیج علی‌رغم گستردگی بالای این حوادث به خوبی متوجه حفظ جان مردم بودند

http://www.radiofarda.com/content/F8_GENERAL_JAFARI_POST_ELECTION_ASSESSMENT/1810345.html

ادعاهای جعفری فرمانده سپاه در حالی صورت گرفت که صدها ساعت فیلم از سرکوب و کشتار مردم به دست نیروهای امنیتی و انتظامی در جهان پخش شده، فیلم زیر گرفتن مردم با خودروهای نیروی انتظامی در مهم‌ترین رسانه‌های بین‌المللی انتشار یافته بود. او در حالی از کشته شدن ۲۰ بسیجی یاد کرد که از ذکر نام یک بسیجی کشته شده عاجز بود. و تنها موردی که روی آن دست گذاشتند حسین غلام کبیری بسیجی اهل شهری بود که در تصادف با ماشین در سعادت آباد کشته شده بود. اصغری روشن نماینده دادستان پس از گذشت دو سال و نیم از واقعه خواستار اشد مجازات فردی شد که به این اتهام فشارهای زیادی را تحمل کرده بود اما در جریان دادگاه مشخص شد که متهم در زمان تصادف، در بازداشت بوده است.

<http://rajanews.com/Detail.asp?id=110756>

با توجه به نمونه‌های ذکر شده، در این یادداشت نگاهی خواهیم داشت به روایت رژیم از ترور متخصصان ایرانی

سابقه‌ی مرگ نابه‌هنگام اعلام‌شده‌ی یک متخصص اتمی ایرانی به دیماه ۸۵ بر می‌گردد. اردشیر حسین پور ۴۴ ساله استادیار دانشگاه و متخصص در الکترومغناطیس که در حال کار بر روی پروژه هسته‌ای اصفهان بود در اثر مسمومیت هنگام انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در مراکز هسته‌ای رژیم بعضی از منابع تلاش کردند فوت وی را که ناشی از عدم رعایت استانداردهای لازم (۱) در فوت کرد مراکز هسته‌ای رژیم بود به توطئه‌ی موساد ربط دهند. با این حال رژیم پس از گذشت شش روز مدعی شد که وی در اثر گازگرفتگی در منزلش در شیراز فوت کرده است و بعدها نیز از متهم کردن موساد خودداری کرد.

اولین قربانی «قتل‌های زنجیره‌ای متخصصان»، مسعود علی‌محمدی، استاد فیزیک دانشگاه تهران بود که اتفاقاً در انتخابات سال ۸۸ به نفع موسوی رأی داده و به دانش‌جویانش توصیه کرده بود که در تظاهرات‌های مردمی بر علیه کودتاچیان شرکت کنند.

<http://aftabnews.ir/vdcepf8o.jh8x7i9bbj.html>

ترور وی پس از وقایع عاشورا ۸۸ و ترور خواهرزاده میرحسین موسوی صورت گرفت و در همان ساعات اولیه انگشت اتهام متوجه دستگاه امنیتی رژیم و نیروهای سرکوبگر سپاه پاسداران شد.

دستگاه امنیتی و رسانه‌های وابسته به آنها برای فرار از زیر بار مسئولیت این جنایت، ابتدا «انجمن پادشاهی» را که در آن روزها وجود خارجی هم نداشت و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی از عنوان آن برای پیشبرد مقاصد شوم خود استفاده می‌کرد عامل ترور معرفی کردند و سپس پای اسرائیل و آمریکا و انگلیس و «منافقین» را به میان کشیدند. و در ادامه تلاش نمودند با ربودن جنازه و تابوت مسعود علی‌محمدی و گسیل عزاداران استخدامی کنترل صحنه را در دست داشته باشد.

<http://www.aftabnews.ir/vdcfvcd1.w6dmxagiiw.html>

موضوع پرونده‌ی مسعود علی محمدی می‌رفت تا به دست فراموشی سپرده شود که در تاریخ ۸ آذرماه ۱۳۸۹ و در هفته‌ی بسیج که قاعدتاً غلظت جو امنیتی شهر به مراتب بیش از مواقع عادی دیگر می‌شود رسانه‌های رژیم خبر از سه انفجار به فاصله‌ی زمانی نزدیک در شمال تهران را دادند.

پیش از آن که به موضوع انفجارهای مربوطه بپردازم به تحولات پیش از آن اشاره می‌کنم.

در اواسط تیرماه ۱۳۸۹ اخباری مبنی بر انتشار ویروس «استاکس نت» در جهان انتشار یافت. تقی پور وزیر ارتباطات و فن‌آوری جمهوری اسلامی در آبان ۱۳۸۹ اعلام کرد که رایانه‌های آلوده شده به این ویروس، شناسایی شده و در مرحله‌ی پاکسازی قرار دارند.

<http://www.rahpouyan.net/index.php?news=745>

سایت «گرداب» وابسته به وزارت اطلاعات با انتشار گزارش «اشپیگل» در مورد نحوه‌ی کار ویروس «استاکس نت» که توسط اسرائیل طراحی شده بود به میزان تخریب‌های ایجاد شده توسط این ویروس اشاره کرد:

استاکس نت، یک ویروس رایانه‌ای است که قابلیت نفوذ از رایانه‌های فوق العاده ایمن را دارد که « (اتفاقاً) به شبکه اینترنت نیز متصل نیستند. هر چند پیش‌تر این اعتقاد وجود داشت که نفوذ مجازی، امری غیرممکن است اما حدود یک‌سال پیش یعنی ژوئن سال 2010 بود که این نفوذ و رسوخ، وارد عرصه سیاست جهانی نیز شد. در آن تاریخ، ویروس استاکس نت، وارد تاسیسات اتمی نطنز ایران شد؛ سایتی که دانشمندان ایرانی در آن مشغول غنی سازی اورانیوم هستند

استاکس نت با ورود و تاثیرگذاری بر دستگاه‌های سانتریفوژ فعال در نطنز، آنها را از درون ویران و غیرفعال کرد. این حمله نفوذ به قلب برنامه اتمی ایران بود. استاکس نت، نخستین سلاح سایبری استاکس نت، در واقع یک مخفی‌گاه شکن دیجیتال است که قابلیت نفوذ به ... ژئوپلیتیک دنیا است زرادخانه‌های تسلیحات مدرن را داراست. این حمله نظامی با استفاده از یک برنامه رایانه‌ای، به طور «هدفمند صورت گرفت

<http://www.gerdab.ir/fa/news/7009>

درست هنگامی که اسرائیل و کشورهای غربی با طراحی ویروس «استاکس نت» و نفوذ آن در سانتریفوژهای نطنز و نیروگاه اتمی بوشهر و طرح‌های فوق صنعتی رژیم ضربات کاری و حساسی به پروژه‌ی اتمی آن وارد کرده و با موفقیتی بزرگ روبرو شده بودند، رژیم جمهوری اسلامی برای مظلوم‌نمایی مدعی شد که سه انفجار توسط موساد در تهران انجام گرفته است. در حالی که سرویس‌های امنیتی اسرائیل و غرب پس از پیروزی بزرگی که به دست آورده بودند نیازی به ترور بی حاصل چند پاسدار یا متخصص فیزیک و برق و نفت که هزاران نفر هم‌سطح یا بالاتر از آنها در ایران وجود دارند نداشتند که در صورت موفقیت می‌توانست یک فرد را از صحنه حذف کند و یا در صورت دستگیری تروریست‌ها افتضاح بزرگی برای آنان به وجود آورد. توجه داشته باشید منابع مستقل، تخریب‌های ناشی از حملات ویروس «استاکس نت» را بیش از بمباران‌های نظامی تلقی می‌کنند.

sablzlink.com/story.php?id=43667

استاکس نت» محصول کار هزاران متخصص هسته‌ای ایران را از بین برد و یا دچار تخریب کرد. این « حمله باعث عقب‌افتادن راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر شد

<http://aftabnews.ir/vdcdkf0fzyt0x56.2a2y.html>

نگاهی به سه انفجار همزمان در تهران و در هفته‌ی بسیج

اولین انفجار ساعت هفت و ده دقیقه صبح دوشنبه در منطقه بلوار ارتش در اقدسیه تهران روی داد، دکتر مجید شهریاری استاد فیزیک دانشگاه بهشتی، به قتل رسید. در این حادثه همسر و راننده وی نیز مجروح شدند.

در انفجار دوم که ساعت هفت و سی دقیقه صبح و به فاصله‌ی بیست دقیقه بعد از حادثه‌ی اول در منطقه ولنجک تهران روی داد، دکتر فریدون عباسی استاد دانشگاه بهشتی به همراه همسرش که

سوار پژوی ۲۰۶ خود بودند مورد هجوم تروریست‌ها قرار گرفته و بدون آن که آسیبی ببینند از مهلکه گریختند.

بنا به گزارش سایت جوان آنلاین ارگان رسانه‌ای نیروهای امنیتی سپاه پاسداران، در انفجار سوم که در «شهرک شهید محلاتی» روبروی داروخانه این شهرک ۲۵ هزارنفری به وقوع پیوست، یک پژوی ۲۰۶ منهدم و دو نفر به قتل رسیدند. خبر انفجار در شهرک محلاتی بلافاصله توسط سایت‌های تابناک، الف که به سپاه پاسداران نزدیک هستند انتشار یافت. بعد از گذشت چند ساعت خبر انفجار مذکور ... و توسط سرتیپ دوم پاسدار حسین ساجدی نیا رئیس نیروی انتظامی تهران بزرگ تکذیب شد و پس از آن جوان آنلاین بدون هیچ توضیحی خبر اولیه خود را حذف کرد

<http://www.khabaronline.ir/news-112035.aspx>

بدیهی است موضوع انفجار در پژوی ۲۰۶ در شهرک نظامی محلاتی آن‌هم در مقابل «داروخانه لشکرک» و کشته شدن دو سرنشین آن نمی‌تواند موضوعی باشد که یک خبرنگار در ذهن خود تولید کند.

جزئیات این خبر نشان می‌داد که جوان آنلاین از مکان این انفجار، نوع خودرو و تعداد کسانی که جان باخته اند مطلع بوده است و در واقع ارتباط تنگاتنگی با کسانی که این عملیات را مدیریت کرده‌اند داشته است.

توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که بسیاری از فرماندهان سپاه پاسداران و خانواده‌های کشته شدگان سپاه در جنگ در این شهرک زندگی می‌کنند و ورود و خروج از آن تحت کنترل نیروهای اهمیت شهرک برای نظام تا آن‌جاست که ساکنان آن تحت وابسته به سپاه پاسداران است. آموزش‌های ویژه فرهنگی و تبلیغی سپاه پاسداران قرار می‌گیرند.

<http://www.sepahnews.com/shownews.aspx?ID=8c1545be-291d-4f74-ae28-72222c57e8d6>

موضوع از دو حال خارج نیست. یا طراحان عملیات فوق در سپاه پاسداران پیش از آن که عملیات انجام شود به تصور این که مانند دو عملیات دیگر با موفقیت توأم بوده خبر آن را پخش کرده‌اند؛ غافل از آن که عملیات مذکور به خاطر مشکلاتی که در حین اجرا پیش آمده انجام نگرفته است؛ یا عملیات انجام گرفته و بنا به دلایل امنیتی آن را تکذیب کرده‌اند

در صورت صحت خبر این سؤال پیش می‌آید که قربانیان پژوی ۲۰۶ شهرک نظامی محلاتی چه کسانی بودند؟

هر عقل سلیمی می‌داند وقوع یک عملیات تروریستی در هفته‌ی بسیج و در شهرک نظامی محلاتی فقط و فقط از عهده‌ی نیروهای امنیتی بر می‌آید و بس و تأکید روی این عملیات و قربانیان آن می‌توانست حرف و حدیث‌هایی برای دو عملیات دیگر هم که همان روز به مورد اجرا گذاشته شده بودند به وجود آورد.

، بلوار ارتش در «از سوی دیگر فاصله‌ی بین سه انفجار در شهرک محلاتی واقع در «مینی‌سیتی اقدسیه و ولنجک کمتر از ۱۰ کیلومتر است. برای یک گروه تروریستی در ایران آن هم در هفته‌ی بسیج بسیار دشوار است که بتواند با این دقت در فاصله زمانی نیم ساعت دست به عملیات بزند و هیچ‌یک از عوامل آن با وجود گذشت بیش از ۱۳ ماه دستگیر نشوند و هیچ اطلاع‌رسانی در مورد آن انجام نگیرد.

پیش‌دستی جوان آنلاین در انتشار خبر انفجار در شهرک محلاتی و کشته شدن سرنشینان یک پژوی ۲۰۶ من را یاد یکی از عملیات‌های تروریستی رژیم در ترکیه می‌اندازد

در اسفند ۱۳۶۸ جوخه‌های ترور رژیم در ترکیه با ایجاد راه‌بند در اتوبانی که به فرودگاه استانبول منتهی می‌شد تلاش کردند محمد سیدالمحدثین مسئول روابط خارجی مجاهدین را به قتل برسانند. اما وی به همراه علی اکبر قربانی که بعدها توسط رژیم در ترکیه ربوده و بعد از شکنجه‌های وحشیانه به قتل

رسید و جسدش مثله شد از مسیر دیگری به فرودگاه رفته بودند و تروریست‌ها به جای سیدالمحدثین، حسین عابدینی یکی از اعضای مجاهدین را هدف قرار دادند

دستگاه امنیتی رژیم بعد از انجام ترور و پیش از آن که مقامات ترکیه خبری انتشار دهند در رسانه‌های دولتی از سوءقصد به جان محمد سیدالمحدثین خبر داد و به این ترتیب دست خود را در طراحی و اجرای این ترور رو کرد

<http://www.persian.se/article-print-289.html>

نحوه‌ی بمب‌گذاری در ترورهای انجام گرفته در هفته‌ی بسیج، دقیقاً مانند ترور علی رازینی در ۱۷ دیماه علی رازینی می‌رفت تا جایگزین شیخ محمد یزدی ۱۳۷۷ است که قربانی درگیری باندهای رژیم شد در قوه قضاییه شود که از سوی باندهای رژیم مورد سوءقصد قرار گرفت و شانس ریاست قوه قضاییه را از دست داد. در شیوه‌ی یاد شده تروریست‌ها با چسباندن مواد منفجره به درب ماشین و دور شدن از آن، بعد از چند ثانیه انفجار مهیبی ایجاد می‌کنند

ترورهای بعدی در چه شرایطی صورت گرفت؟

در سی و یکم فروردین ۱۳۹۰ رسانه‌های رژیم خبر دادند که خامنه‌ای، در نامه‌ای خطاب به حیدر مصلحی که از سوی احمدی‌نژاد برکنار شده بود، سمت وی در وزارت اطلاعات را تأیید کرده و او را به سر کار بازگردانده است. این حکم باعث قهر یازده‌روزه‌ی احمدی‌نژاد و خانه نشینی او شد. موضوع برکناری مصلحی از سوی احمدی‌نژاد و ابقای او از سوی خامنه‌ای و قهر احمدی‌نژاد بحران عجیبی را در حاکمیت به وجود آورد که تا آن روز سابقه نداشت. جنگ و جدال میان باندهای حاکم تا آنجا بالا گرفت که مجلس خود را برای برکناری احمدی‌نژاد آماده می‌کرد و خامنه‌ای به صراحت به او گفته بود که یا بایستی مصلحی را بپذیرد و یا استعفا دهد

در چنین شرایطی بود که در ۱۸ اردیبهشت‌ماه سایت‌های رژیم خبر از ترور نافرجام یک «دانشمند هسته‌ای» توسط «منافقین» در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۹۰ در تهران را دادند

به گزارش مشرق به نقل از ندای انقلاب، به تازگی شش نفر مسلح ناشناس که راکبین سه دستگاه «موتورسیکلت بودند قصد ترور یکی از دانشمندان هسته‌ای را داشتند که با اقدام به موقع محافظین ناکام ماندند. در روز ۱۱ اردیبهشت مصادف با سالروز ترور استاد شهید مرتضی مطهری یک تیم از منافقین کوردل قصد ترور یکی از دانشمندان هسته‌ای را در خیابان یوسف آباد شهر تهران را داشتند و اقدام به تیراندازی به سوی این دانشمند هسته‌ای نمودند که با هوشیاری محافظین این اقدام «تروریستی ناکام ماند»

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/44732>

این خبر از سوی منابع امنیتی رژیم تکذیب نشد و به علت این که موضوع خانه‌نشینی احمدی‌نژاد ختم به خیر شد جنجالی روی آن صورت نگرفت و موضوع به سرعت به دست فراموشی سپرده شد

برای کشتن یک «دانشمند هسته‌ای» که اسمش هم فاش نمی‌شود ۶ نفر مسلح با سه اما در خط سوم موتورسیکلت بسیج می‌شوند. در خط اول خبر، افراد مسلح «ناشناس» هستند تبدیل به «منافقین» می‌شوند. از کجا و چگونه به ماهیت کسانی که دستگیر نشده‌اند پی برده‌اند الله و اعلم

رسانه‌های رژیم خبری از محل حادثه نمی‌دهند. با توجه به این که دوربین‌های اداره‌ی راهنمایی و رانندگی و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در تهران اکثر نقاط حساس شهر را زیر پوشش دارند سه موتور سوار به سادگی می‌توانند در خیابان‌های شهر تردد داشته، با نیروهای امنیتی درگیر شوند و به سادگی محل را ترک کنند و هیچ اثری از آثارشان پیدا نشود

با توجه به تجربه‌ای که از سال‌های اولیه دهه‌ی ۶۰ دارم، با قاطعیت می‌گویم که چنین امری محال است. امکان ندارد که تحرک نظامی داشته باشید و ضربه نخورید. ۹ ماه از تاریخ یاد شده می‌گذرد، ۶

«منافق تروریست» در تهران با نیروهای امنیتی رژیم درگیر می‌شوند به رد و بدل کردن آتش می‌پردازند منافقین «اما هیچ خبری از دستگیری آن‌ها نمی‌شود. عجیب نیست؟ به شما قول می‌دهم تروریست» یاد شده هیچ‌گاه دستگیر نشوند

در تاریخ ۱ مرداد ۱۳۹۰ رسانه‌های رژیم خبر از سوء قصد به جان داریوش رضایی نژاد «یک متخصص هسته‌ای ایران» در خیابان بنی‌هاشم تهران دادند اما پس از گذشت ساعاتی خبرگزاری فارس فرد ترور شده را «دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برق دانشگاه خواجه نصیر و از همکاران وزارت دفاع» معرفی کرد. رئیس دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، داریوش رضایی نژاد را «از نخبگان علمی و دانشجوی سال اول مقطع کارشناسی ارشد دانشکده برق با گرایش قدرت»، معرفی کرد. پوکه‌های باقی مانده در محل نشان می‌داد که در این ترور ۵ گلوله شلیک شده است که یک گلوله به گردن قربانی و گلوله دیگر به دست وی اصابت کرده است

به گزارش مهر؛ حجت الاسلام حیدر مصلحی در جمع خبرنگاران افزود: این ترور کوری بود که در حال بررسی آن هستیم و هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. وی اضافه کرد: رضائی نژاد شخصیت هسته‌ای نبود و نباید بی جهت فضا را خاص جلوه داد. وزیر اطلاعات با تاکید بر اینکه این ترور نقاط مبهم و کوری دارد که روشن نیست افزود: نحوه ترور سرویس‌های جاسوسی نشانه‌هایی دارد این مورد هنوز برای ما اینکه پشت این ترور عوامل: روشن نشده است تا بتوانیم نظر قطعی بدهیم. وی تصریح کرد سرویس‌های جاسوسی بوده‌اند یا خیر هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم و هر زمان به نتیجه رسیدیم اعلام خواهیم کرد

<http://www.ayandenews.com/news/33512>

اگر داریوش رضایی نژاد «شخصیت هسته‌ای» نبوده و ترور او «نقاط مبهم و کوری دارد» و نمی‌توان «عوامل سرویس‌های جاسوسی» را مسئول آن دانست پس چه کسی پشت این ترور است؟ چرا اطلاع رسانی لازم در مورد این ترور که در جلوی مهدکودک صورت گرفته نشده است؟

چنانچه ملاحظه می‌شود ۶ تروریستی که در حمله به «دانشمند هسته‌ای» در ۱۲ اردیبهشت ناکام ماندند و تروریست‌هایی که رضایی نژاد را به قتل رساندند برخلاف موارد قبلی از شلیک گلوله استفاده کردند.

در اولین سالگرد ترور مسعود علی‌محمدی دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و تبلیغی رژیم با تهیه سناریویی مضحک مدعی دستگیر تیمی که مبادرت به ترور وی کرده بودند و در دومین سالگرد ترور مسعود علی‌محمدی رسانه‌های رژیم خبر از ترور مصطفی احمدی روشن فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی نفت از دانشگاه شریف دادند

ظاهراً هر سال در حول و حوش سالگرد ترور اولین قربانی «قتل‌های زنجیره‌ای متخصصان» ایرانی بایستی منتظر

حوادث گوناگونی در این ارتباط باشیم. معلوم نیست قاتلان و مدیران بحران در سال آینده چه برگی رو خواهند کرد

در خبرها آمده است که ساعت ۸:۳۰ صبح روز ۲۱ دیماه ۱۳۹۰ یک موتورسیکلت با چسباندن یک بمب مغناطیسی به یک دستگاه پژو ۴۰۵ در سیدخندان ابتدای خیابان گل نبی روبروی دانشگاه علامه طباطبایی این خودرو را منفجر کرد. در این حمله مصطفی احمدی روشن معاون بازرگانی سایت نطنز و رضا قشقایی به قتل رسیدند و دیگر سرنشینین پژو به سختی مجروح شد. پس از مدتی خبرگزاری های فارس و مهر گزارش دادند: ساعت ۸:۳۰ صبح امروز یک دستگاه پژو ۴۰۵ با دو سرنشین که هویت یکی از آنها مشخص شده و با نام مصطفی احمدی روشن می‌باشد، در خیابان گل نبی به سمت خیابان کتابی در حرکت بوده که یک دستگاه موتور سیکلت نزدیک این خودرو شده و دو ماده انفجاری به داخل خودرو پرتاب می‌کنند که موجب انفجار داخل خودرو می‌شود

<http://www.afkarnews.ir/vdcewf8f.jh8eni9bbj.html>

مصطفی احمدی روشن قربانی جدید دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی نظام جمهوری اسلامی در حالی هدف جوخه‌های مرگ قرار می‌گیرد که نظام ولایت فقیه با اعلام راه اندازی سایت زیرزمینی فرودو قم با قابلیت غنی سازی برای ساخت سلاح اتمی، شورای امنیت را در آستانه‌ی صدور قطعنامه‌ی دیگری علیه کشور قرار داده است. و نظام برای فرار از بحران با پیش‌دستی بحران جدیدی را ایجاد می‌کند تا در سایه‌ی آن به طلبکاری از جامعه‌ی جهانی بپردازد و به نیروهای خود در داخل کشور بقبولاند که دشمنان از دستاوردهای نظام به خشم آمده‌اند و با رجزخوانی کاذب در مورد انتقام‌گیری به آن‌ها روحیه دهد.

نگاهی به سابقه‌ی سوزه‌هایی که هدف ترور قرار گرفتند

مسعود علی‌محمدی و مجید شهریاری نماینده‌های جمهوری اسلامی در پروژه‌ی مهم سزازی بوده‌اند. در این پروژه علاوه بر نمایندگان ایران، دانشمندان اسرائیل، اردن، ترکیه، قبرس، مصر، بحرین، پاکستان و ... شرکت دارند.

در منطقه‌ی خاورمیانه «هدف این پروژه راه اندازی مرکزی بین‌المللی موسوم به تابش «سینکروترون است که از چندین سال پیش و تحت نظارت یونسکو آغاز شده است. طبق برنامه اعلام شده قرار است نخستین سیستم شتابدهنده خاورمیانه در حوالی امان، پایتخت اردن، به بهره‌برداری برسد. از پرتوهای تولیدی این دستگاه می‌توان تحولاتی بنیادین در تحقیقات و پروژه‌های علمی نظیر نانو، پزشکی، مکانیک، فیزیک، داروسازی و غیره ایجاد کرد.

اتفاقاً انتخاب چنین سوزه‌هایی برای ترور با توجه به حضور آن‌ها در اجلاس‌هایی که دانشمندان اسرائیلی هم شرکت می‌کنند می‌تواند دست رژیم را باز بگذارد که مدعی شود مجامع بین‌المللی محلی بوده که در آن دانشمندان ایرانی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و به این ترتیب بی‌اعتمادی و عدم همکاری خود با مجامع بین‌المللی را توجیه کند. در حالی که با مراجعه به اینترنت به سادگی می‌توان لیست اسامی فیزیکدانان ایرانی و محل تحقیق و تدریس آن‌ها را به دست آورد.

دکتر مجید شهریاری دارای دکترای فیزیک، علاوه بر آن که عضو شورای ملی سزازی ایران بوده دارای مقالات متعدد در خصوص کدهای کامپیوتری بوده و در راه‌اندازی دوره کاربرد پرتوها در دانشگاه بهشتی مشارکت داشته و به صنعت حفاری کشور و اکتشاف نفت کمک کرده است.

مسعود علی‌محمدی دارای دکترای فیزیک و تخصص اصلی او ذرات بنیادی، انرژی‌های بالا و کیهان‌شناسی بوده‌است. و در رشته‌های مکانیک کوانتومی، مکانیک آماری، الکترومغناطیس، ذرات بنیادی و نظریه میدان‌های کوانتومی به تدریس پرداخته است.

بسیج و سپاه پاسداران که از ابتدا انگشت اتهام به سمت آن‌ها دراز بود تلاش نمودند تا به دروغ این دو استاد دانشگاه را همکار تحقیقات اتمی ایران معرفی کنند تا بتوانند روی سناریو ترور آن‌ها توسط سرویس‌های اسرائیلی و آمریکایی و «مزدوران استخبار جهانی» مانور دهند.

شخصیت هسته‌ای نبود» و «با آن‌که مصلحی وزیر اطلاعات نیز اعتراف می‌کند که داریوش رضایی نژاد با وجود آن که تأکید کرده بود «این ترور نقاط مبهم و کوری دارد و هنوز برای ما روشن نشده است تا بتوانیم نظر قطعی بدهیم» اما همچنان بدون آن که «نظر قطعی» دهند، در تبلیغات رسانه‌ای از وی به عنوان شخصیت هسته‌ای و همکار پروژه‌های اتمی رژیم نام می‌برند. در حالی که او لیسانسیه برق بود و تازه دوره فوق لیسانس خود را شروع کرده بود.

تخصص مصطفی احمدی روشن مهندسی نفت است و هیچ ربطی به موضوع هسته‌ای و تحقیقات هسته‌ای نداشت. تنها دلیلی که می‌توان برای انتخاب او از سوی مدیران بحران پیدا کرد این است که وی بنا به مسئولیتی که در معاونت بازرگانی سایت نطنز داشت با بازرسان آژانس بین‌المللی اتمی دیدار کرده بود و در منطق جنایتکاران سوزه‌ی خوبی برای مرگ به حساب می‌آمد چرا که با مرگ وی می‌توانستند روی بازرسان آژانس بین‌المللی اتمی فشار بیاورند و برای عدم همکاری با آن‌ها دلیل و توجیه بتراشند.

نام ده‌ها تن از متخصصان هسته‌ای و مقامات درگیر پروژه‌های هسته‌ای رژیم در قطعنامه‌های «موساد» قرار نمی‌گیرند و اما در «بین‌المللی آمده است، هیچ‌کدام هدف جوخه‌های مرگ توانمند سربزنگاه‌ها، افرادی که هیچ ارتباطی با پروژه‌ی اتمی ایران ندارند به قتل می‌رسند و پس از مرگ از سوی رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران و دستگاه امنیتی به عنوان متخصص اتمی و درگیر در پروژه‌های هسته‌ای رژیم معرفی می‌شوند.

سوزهای که از ترور جان به در برد

در این میان تنها یک استثنا وجود دارد. دکتر فریدون عباسی از توطئه‌ی ترور جان سلام به در می‌برد و دو ماه بعد ارتقا مقام یافته و به ریاست سازمان انرژی اتمی ایران می‌رسد. گویا از ابتدا برای این پست مد نظر قرار گرفته بود و برای ترفیع مقام او برنامه ریزی می‌شد.

وی از اساتید بسیجی کشور است که در سابقه‌ی خود عضویت در سپاه پاسداران از ابتدای انقلاب؛ حضور متوالی در جبهه جنگ هشت‌ساله؛ عضویت در هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین(ع) سپاه پاسداران از سال 72؛ ریاست دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین(ع)؛ انجام تحقیقات هسته‌ای در وزارت دفاع؛ و مسئولیت آموزش و تحقیقات هسته‌ای وزارت دفاع را داشته و جزو متخصصان لیزری وزارت دفاع و متخصصان جداسازی ایزتوپ است و از وی در قطعنامه 1747 شورای امنیت ملل متحد برای تحریم ایران با عنوان دانشمند ارشد وزارت دفاع و مرتبط با انستیتو فیزیک کاربردی نام برده شده و مشمول تحریم قرار گرفته است.

آیا عجیب نیست جوخه‌های «موساد» قادر به کشتن تنها سوزهای که نه تنها در خدمت پروژه‌های اتمی رژیم بوده بلکه نامش در تحریم‌های شورای امنیت آمده نمی‌شوند. آیا عجیب نیست که فریدون عباسی تنها سوزهای درگیر در پروژه‌ی اتمی رژیم نه تنها متوجهی مقصود تروریست‌ها می‌شود بلکه فرصت کافی برای بیرون کشیدن همسرش را نیز دارد. توجه کنید

من در حال رانندگی بودم و خانمم صندلی کنار راننده نشسته بود که یک موتورسیکلت با دو « سرنشین که لباس کاملاً سیاه و کلاه کاسکت تیره با طلق انعکاسی داشتند به اتومبیل نزدیک شد. از فضای هفته بسیج استفاده کرده بودند و خود را شبیه نیروهای شبه نظامی ما کرده بودند.

از کنار اتومبیل من که عبور کردند، صدایی شنیدم. مثل اینکه چیزی به اتومبیل برخورد کرده باشد. طرح فریبی هم اجرا کرده بودند. یعنی نفر جلویی جوری دست خودش را به آینه ماشین زد که من فکر کردم آن صدا از برخورد آن‌ها با آینه ماشین بوده. شمایل موتورسواران و صدای برخورد از نظر من از یک حادثه خبر می‌داد. وقتی نگاه کردم بمب را دیدم که چسبیده بود به درب راننده، با دیدن آنتن بمب متوجه این شدم که اگر این موتورسواران دور شوند، بمب را فعال می‌کنند.

بلافاصله اتومبیل را به سمت راست منحرف کردم، ترمز کردم و به خانمم گفتم: «سریع برو پایین که بمب است». با سرعت خودم پیاده شدم و به سمت عقب اتومبیل دویدم. به پشت اتومبیل که رسیدم دیدم که بمب هنوز منفجر نشده و خانمم هم هنوز داخل اتومبیل است، گویا متوجه بمب نشده بود. سریع دویدم و درب را باز کردم و او را کشیدم بیرون. هنوز شروع به دویدن نکرده بودیم که بمب منفجر شد و مورد اصابت ترکش قرار گرفتیم.

این اتفاق در حالی می‌افتد که فریدون عباسی در جریان یک کنفرانس خبری در وین در ۲۹ شهریور ۱۳۹۰ گفت:

از شش سال پیش سازمان جاسوسی بریتانیا شروع به جمع‌آوری اطلاعات درباره من کرده است « اطلاعاتی درباره گذشته من، خانواده و تعداد فرزندانم. طی این مدت ماموران سازمان جاسوسی خارجی بریتانیا در جاهای مختلف از جمله فرودگاه فرانسه، مراکز علمی لهستان، ایتالیا، هلند و مالزی و ... همواره به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از من بوده‌اند. آنها حتی تا پشت در اتاق من در دانشگاه هم آمدند و به دنبال این بودند تا ببینند آیا من محافظ شخصی دارم یا نه؟

در افشاگری فریدون عباسی، «موساد» و اسرائیل جایی ندارند و همه چیز به ام آی ۶ و سرویس جاسوسی بریتانیا ختم می‌شود چرا که دولت انگلیس مواضع سختی علیه برنامه‌های اتمی رژیم اتخاذ کرده بود و رژیم درصدد تلافی بود و فریدون عباسی تنها به دنبال مقاصد سیاسی است.

به نظر من موضوع جان به در بردن پاسدار فریدون عباسی دوانی از دو حال خارج نیست، یا خود در جریان امر قرار داشته و یا جوخه‌ی ترور به هنگام جسیاندن بمب مقصود خود را به اطلاع او رسانده و فرصت کافی در اختیار او قرار داده تا همراه با همسرش بدون این که آسیبی ببینند از مهلکه دور شوند.

تروریست‌های دستگیر شده‌ی وابسته به موساد آب می‌روند

در حالی که موساد از طریق ویروس «استاکس نت» به قلب پروژه‌های اتمی رژیم نفوذ کرده و ضربات جدی به آن وارد کرده بود یکباره دستگاه‌های امنیتی رژیم مدعی شدند که در قلب موساد نفوذ کرده و شبکه‌ی مهمی از جاسوسان و تروریست‌ها را دستگیر کرده‌اند.

اما دستگاه امنیتی در طول یک سال گذشته تنها قادر به صحنه‌آرایی در مورد دستگیری و محاکمه‌ی قاتل مسعود علی‌محمدی شد. اطلاعات ارائه شده از سوی دستگاه امنیتی، دستگاه تبلیغاتی و اعترافات متهم و دادگاه تشکیل شده به ریاست «قاضی صلوتی» و کیفرخواست تنظیمی بیش از پیش انگشت اتهام را متوجه دستگاه‌های امنیتی رژیم می‌کند.

وزارت اطلاعات در دیماه ۱۳۸۹ طی اطلاعیه اعلام کرد:

بسمه تعالی»

همزمان با اولین سالگرد شهادت دکتر مسعود علی‌محمدی استاد دانشگاه و دانشمند برجسته کشورمان سربازان گمنام امام زمان(عج) در پی اقدامات گسترده امنیتی و رصد دقیق اطلاعاتی و با عنایات خاص الهی موفق شدند عوامل اصلی این جنایت تروریستی را شناسایی و دستگیر و یک شبکه متشکل از جاسوسان و تروریست‌های وابسته به رژیم اشغالگر قدس را منهدم کنند.

عملیات همه جانبه شناسایی و دستگیری این جاسوسان و تروریست‌ها با تمرکز اطلاعاتی و امنیتی بر روی سرخ عوامل و شبکه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی آغاز شد و پس از ماه‌ها مجاهدت‌های خاموش و اقدامات پیچیده و چند لایه آفندی و پدافندی و نفوذ به عمق اطلاعاتی رژیم صهیونیستی منجر به کشف اطلاعات بسیار مهم و حساس از تیم‌های جاسوسی و عملیاتی موساد شد که در پی «آن ضربات سهمگینی به ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی وارد شد»

<http://rajanews.com/detail.asp?id=75593>

بولتن نیوز به نقل از حجت الاسلام حیدر مصلحی و شنیده‌های خود گزارش داد: «در پیگیری های سربازان گمنام امام زمان(عج) همه ترفندهایی که این عوامل استکباری برای ترور دانشمندان هسته‌ای ما به کار می‌بردند شناسایی شدند و به زودی اطلاعات خوبی را در این باره به مردم خواهیم داد. شنیده می‌شود یک دختر دانشجو در جریان ترور استاد علی محمدی دست داشته است. این دختر که از مدت‌ها پیش ارتباط ویژه‌ای با سرتیم‌های اطلاعاتی موساد داشته عامل اصلی ورود مجید جمالی فشی (عامل ترور) به این جریان بوده است. این دختر با طرح دوستی و برقراری ارتباط نامشروع با جمالی فشی زمینه همکاری نامبرده و موساد را فراهم ساخته است»

<http://www.sabairan.com/fa/news/19728>

منصوره کریمی همسر دکتر علی‌محمدی در گفتگو با جرس تأکید می‌کند که قرار است کسانی که اعتراف کرده‌اند را ببیند.

اما همه چیز به ناگهان رنگ باخت و مجید جمالی فشی متهم به قتل علی‌محمدی در دادگاه اعترافات کرد که همدستی نداشته و همه مراحل ترور را به تنهایی انجام داده است

هیچ اطلاعاتی از آنها (همدستان) ندارم و از نزدیک هیچ کسی را نمی‌شناختم و در ایران با هیچ فرد «ایرانی ملاقات نکردم».

<http://www.khabaryaab.com/News/387955>

طبق اعترافات جمالی در تلویزیون و دادگاه، وی موتوری را که منفجر شد تحویل می‌گیرد، در انباری آن را نگهداری می‌کند، جعبه بمب و ... را تحویل می‌گیرد اما رد هیچ‌کدام مشخص نمی‌شود. آیا نمی‌توان فهمید چه کسی انبار را اجاره کرده یا مالک آن کیست؟ ارتباط این شخص با «موساد» را نمی‌شود در آورد؟ چرا دادگاه فقط برای یک نفر برگزار می‌شود؟

ویندوز قرمز» و «طبق سناریوی تهیه شده در وزارت اطلاعات، مجید جمالی از طریق «لب تاپ» و «تلفن ماهواره‌ای»، «مموری کارت» به اسرائیل و موساد وصل است. موضوع «لب تاپ» و «برنامه‌ی مموری کارت» و رقم «۵۰ هزار دلار» برای اجرای پروژه و «ویژه کامپیوتری» و «تلفن ماهواره‌ای» و ، دقیقاً از روی اعترافات علی اشتري جاسوس موساد که یک شرکت تجاری «کیف جاسازی پول موفق در دبی داشت و سال‌ها کالاهای حفاظتی، امنیتی و مخابراتی به سپاه پاسداران، ارتش، نهادهای امنیتی، و «پروژه‌های خاص» رژیم می‌فروخت کپی‌برداری شده است. علی اشتري از طریق فروش سیستم‌های آلوده‌ی ارائه شده از سوی موساد ضربات جدی به نظام وارد کرده بود و در سال ۸۷ اعدام شد

<http://news.gooya.com/politics/archives/2008/11/079582.php>

در کیفرخواست صادره از سوی دادستان، تاریخ دستگیری مجید جمالی فشی مشخص نیست. مگر می‌شود دادگاهی تشکیل داد، کیفرخواستی نوشت و در آن از تاریخ دستگیری متهم صحبتی نکرد؟!؟

منابع خبری تأکید می‌کنند که مجید جمالی در زمان ترور مسعود علی‌محمدی در ترکیه بوده است. این خبر تاکنون از سوی وی و منابع امنیتی تکذیب نشده است

چه چیز باعث دستگیری مجید جمالی فشی شد؟

مجید جمالی فشی در اعترافاتش از مراجعه‌ی متعدد خود به کنسولگری اسرائیل در ترکیه و باکو و ... می‌گوید در حالی که هیچ صحبتی از مراجعه‌اش به سفارت آمریکا در باکو نمی‌کند

بعدها مأموران . دلیل اصلی دستگیری جمالی فشی مراجعه به سفارت آمریکا در باکو بوده است امنیتی تشخیص داده‌اند که وی فرد مناسبی است تا در نقش قاتل دکتر مسعود علی‌محمدی ظاهر شود.

اسناد منتشر شده توسط ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که مجید جمالی فشی در تابستان ۸۸ در باکو برای اخذ ویزا به سفارت آمریکا مراجعه کرده که بنا به دلایل ناروشن با درخواست او موافقت نشده Baku Iran watcher « ناظر ایران» مستقر در سفارت آمریکا در باکو» است. مجید جمالی در مصاحبه با و به منظور متقاعد کردن مقامات آمریکایی برای موافقت با درخواست ویزایش، اطلاعاتی در مورد « تلاش‌های دستگاه سرکوب رژیم برای استفاده از باشگاه‌های رزمی در سرکوب مردم و انجام «کارهای کثیف» در اختیار مقامات آمریکایی می‌گذارد

در گزارش خود به مقامات وزارت خارجه آمریکا ROB GARVERICK ویکی لیکس فاش می‌کند که کنسول در اول سپتامبر ۲۰۰۹ به نقل از یک مربی ورزش‌های رزمی می‌نویسد

باشگاه‌های خصوصی ورزش‌های رزمی و مدیران آنها به شدت تحت فشار قرار دارند، تا با « دستگاه‌های اطلاعاتی و سپاه پاسداران در زمینه آموزش اعضای آنها همکاری کرده و همچنین به «عنوان مجری سرکوب اعتراض‌ها و قتل‌های سیاسی عمل کنند

به سختی» می‌توانند، «بر اساس این گزارش «مربیان و مدیران باشگاه‌های ورزش‌های رزمی در ایران «استقلال خود را از سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی حفظ کنند

در گزارش سفارت آمریکا در باکو به وزارت امور خارجه آمریکا در این باره آمده است، «مقام‌های امنیتی جمهوری اسلامی نسبت به فعالیت باشگاه‌های ورزش‌های رزمی در ایران بدبین هستند و آنها را «عامل بالقوه سازماندهی و آموزش اعتراض‌های بعدی» ارزیابی می‌کنند.» در بخش دیگری از این گزارش آمده است، «کنترل باشگاه‌های رزمی بیشتر از آن که به دلیل هراس دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی از آنان باشد، به دلیل تمایل دستگاه‌های امنیتی برای استفاده از اعضای آموزش دیده آنها برای انجام «عملیات ویژه» است.» بر اساس این گزارش دستگاه‌های امنیتی جمهوری علاوه بر آموزش اعضای بسیج و سپاه، ترساندن مردم و «اسلامی از این باشگاه‌ها انتظار دارند، سرکوب تظاهرات در انجام قتل‌های سیاسی نیز همکاری کنند.» به گفته منبع مورد استناد سفارت آمریکا در باکو، «استفاده از اعضای باشگاه‌های ورزش‌های رزمی برای انجام این گونه عملیات، به نیروهای امنیتی این امکان را می‌دهد که خود را از انجام «کارهای کثیف» کنار بکشند.» در گزارش مطلع «به موردی اشاره کرده است که در آن «یکی از استادان» سفارت آمریکا در باکو، این فرد ورزش‌های رزمی دست کم شش نفر را به سفارش دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در کمتر از چند ماه کشته است؛ به گفته این فرد «مطلع» این شخص خود نیز به دست نیروهای امنیتی کشته جلوه کند.» به گفته این فرد «شده، اما صحنه‌سازی قتل طوری بوده است که علت مرگ «خودکشی» «مطلع» قربانیان از جمله شامل روشنفکران و فعالان جوان طرفدار دموکراسی در ایران بوده‌اند. منبع پس از آنکه مربی و مدیر یکی از باشگاه‌ها در مقابل درخواست نیروهای «سفارت آمریکا می‌گوید اطلاعات و سپاه مقاومت کردند، آنها به باشگاه حمله کرده و فعالیت آنها را به شدت محدود کردند.» همچنین مربی مذکور تحت شدیدترین فشارها قرار گرفت تا با آنها همکاری کند.

<http://wikileaks.ch/cable/2009/09/09BAKU687.html>

در کیفرخواست تنظیمی از سوی دادستان و رسانه‌های رژیم به هنگام معرفی او به عنوان قاتل دکتر مسعود علی‌محمدی هیچ اشاره‌ای به خدمت او در سپاه پاسداران و عضویت در تیم منتخب پانکشن ایران در تابستان ۸۸ و کسب عنوان سومین مسابقات جهانی آذربایجان و ... نمی‌شود. در حالی که پیش‌تر رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران کلی روی آن مانور داده بودند.

تنها بعد از افشاگری سایت‌های اینترنتی، رسانه‌های رژیم مجبور به اعتراف به این واقعیت شدند. با این حال برای لوث کردن موضوع، مدعی شدند که جمالی در مسابقات جهانی با عنوان ایران شرکت می‌کرده و مأموریت داشته با باخت‌های تصنعی برای جمهوری اسلامی آبرو ریزی به بار آورد

جمالی فشی مأموریت داشت در مسابقات بیازد»

باشگاه خبرنگاران جوان وابسته به صدا و سیما به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد مجید جمالی فشی از سوی موساد مأموریت داشته که در مسابقات ورزشی با نام ایران شرکت کند و شکست بخورد. «این منبع آگاه که نامش فاش نشده در عین حال گفته جمالی فشی در شرایطی مقابل حریف‌های «ضعیف‌تر از خود شکسته خورده که «از سطح آمادگی و جسمانی بسیار پایینی برخوردار بودند

<http://www.digarban.com/en/node/297>